

# بررسی اثر پاره‌ای از عوامل مؤثر فردی - اجتماعی بر سازگاری زناشویی

حسن بنی‌اسدی

عضو هیأت علمی علوم تربیتی دانشگاه شهید باهنر کرمان

واژگان کلیدی: سازگاری، ناسازگاری، ارتباط روانی، پایدار زناشویی

## چکیده

به منظور بررسی اثر پاره‌ای از عوامل فردی - اجتماعی بر سازگاری و پایداری زناشویی که این عوامل در تشکیل مهارت‌های لازم در زندگی موفق مؤثرند، با استفاده از پرسشنامه عوامل فردی - اجتماعی، تعداد یکصد زوج ناسازگار (در حال طلاق) از دادگستری شهرستان کرمان انتخاب شدند و با یکصد زوج سازگار (در حال زندگی مشترک) همان شهرستان با استفاده از روش مقایسه‌ای مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج آزمون نشان داد که زوج‌های سازگار یا ناسازگار در عوامل: تصمیم‌گیری در مسایل مشترک زناشویی، امور مالی، رابطه جنسی، اوقات فراغت و شیوه ارتباط روانی با یکدیگر تفاوت دارند، همچنین در این آزمون تفاوت بین زنان ناسازگار با مردان ناسازگار و زنان سازگار با مردان ناسازگار و زنان ناسازگار با زنان سازگار و مردان سازگار با مردان ناسازگار مورد بررسی قرار گرفتند.

## مقدمه

سنگ بنای خانواده با ازدواج گذاشته می‌شود؛ ازدواج در کنار تولد و مرگ یکی از سه حادثه مهم زندگی است. تولد بدون اطلاع و اراده مولود اتفاق می‌افتد، مرگ هم تا حدود زیادی خارج از کنترل است. ولی ازدواج در این میان تنها حادثه‌ای است که امکان انتخاب

در آن وجود دارد. ازدواج را از دو جنبه اصلی آن یعنی کیفیت و پایداری بررسی می‌کنند. کیفیت ازدواج ناظر بر چگونگی شکل‌گیری رابطه زوجهی است و پایداری بیانگر حفظ رابطه زوجهی در گذر زمان است. عواملی چون اطلاعات فردی و نوعی (تفاوت بین زن و مرد) از یکدیگر، بلوغ، انگیزه‌های ازدواج، شرایط انتخاب همسر و ویژگیهای شخصیتی از عوامل مؤثر در کیفیت ازدواج است. ازدواج حتی اگر با علّیترین کیفیت هم شکل گیرد، نمی‌تواند تضمین‌کننده حفظ پایداری و سازگاری آن در گذر زمان باشد.

کیفیت مطلوب ازدواج می‌تواند، پایداری و سازگاری رابطه زوجهی را به حرکت درآورد و تداوم این حرکت نیازمند عوامل دیگری چون توانایی تصمیم‌گیری در مسایل مشترک زناشویی، توافق در امور مالی (دخل و خرج خانواده)، توافق در گذراندن اوقات فراغت، توافق در امور جنسی و برخورداری از ارتباط روانی مناسب و عوامل دیگر است، زیرا هر چند که عشق را به‌عنوان مهم‌ترین عامل تشکیل خانواده می‌دانند اما عشق برای ادامه زندگی و حفظ زندگی زناشویی کافی نیست و در ایجاد خصوصیات شخصیتی و مهارتهایی که لازمه زندگی مشترک است، نقشی ندارد. (آرون‌تی، ۱۳۶۹، صص ۶ و ۱۲۶)

به‌طور کلی دو دیدگاه اصلی در مورد سازگاری زناشویی وجود دارد، اولین دیدگاه علل درون فردی سازگاری را مطرح می‌کند که نظریه پردازان صفت<sup>۱</sup> و روان تحلیل‌گری بیشتر طرفدار آن هستند. بدین معنی که ویژگیهای شخصیتی شریک ازدواج<sup>۲</sup> باعث همسانی پایدار و رضامندی دو جانبه با ناپایداری همراه با نارضایتی می‌شود.

دیدگاه دوم به مسایل بین فردی توجه دارد. این دیدگاه در بین روان‌درمانگران رفتارگرا، محبوبیت و جاذبه بیشتری دارد. بر اساس این دیدگاه، مشکل اصلی زوجهای مسأله‌دار<sup>۳</sup> به نارسا کنش‌وری<sup>۴</sup> زوجها برمی‌گردد. بدین صورت که رفتارها به جای پاداش بیشتر تنبیه به دنبال دارند. چون در حقیقت همسران آشفته، در مهارت‌های اجتماعی اساسی خود ضعف دارند و در تماس با همسر خود، کنش‌ها و واکنش‌های رفتاری منفی زیادی نشان

<sup>1</sup> Trail

<sup>2</sup> Marriage parter

<sup>3</sup> Marriage disturbed

<sup>4</sup> Disfunctional behaviors

می‌دهند. علاوه بر موارد ذکر شده توسط این دو دیدگاه عوامل دیگری مانند: سن، وضعیت عاطفی، تحصیلی و عوامل موقعیتی می‌تواند منجر به آشفتگی روابط زناشویی شوند. در این مقاله به طور مختصر پاره‌ای از عوامل فردی - اجتماعی که در سازگاری زناشویی دخالت دارند، بررسی می‌شوند تا بتوان زوجها را به اکتساب مهارتهایی که برای زندگی زناشویی ضروری است، راهنمایی کرد و به کانون خانواده استحکام بخشید و تا آنجا که ممکن است از بروز اختلاف و ناسازگاری در کانون خانواده جلوگیری کرد. (پرلمن، ۱۹۸۷، صص ۱۴۰-۱۲۰)

### مطالعه منابع

#### تصمیم‌گیری در مسایل مشترک زناشویی

زن و شوهر با دهها تصمیم‌گیری کوچک و بزرگ روبرو هستند. تقسیم وظایف، مسایل دخل و خرج خانواده، فعالیت‌های اجتماعی و تفریحی، انتخاب محل زندگی، داشتن فرزند، تربیت فرزند و ... نداشتن مهارت‌های لازم در تصمیم‌گیری، روابط زن و شوهر را با مشکل روبرو می‌سازد. تحقق هدف‌های عملی زندگی زناشویی (اداره خانواده، اداره امور مالی، تربیت فرزندان) و هدف‌های عاطفی (لذت بردن از اوقات فراغت، روابط جنسی) مستلزم روحیه همکاری در برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری مشترک، تصمیم منطقی، کار و اجرای مؤثر آن است. وقتی زن و شوهر فاقد این مهارتها هستند، احتمال اختلاف و ناسازگاری زیاد می‌شود.

تحولات اقتصادی، موجب تغییرات اجتماعی می‌شود و بتدریج به تغییر سنت‌ها می‌انجامد. افراد مختلف بر اساس تغییراتی که در گستره انجام وظایف‌شان به وجود آمده، تأثیرات متفاوتی می‌پذیرند: این تغییر در وظایف زنان شاغل بیشتر از همه به چشم می‌خورد. در حالی که وظایف مردان از این لحاظ، تغییر چندانی نکرده است. با توجه به این که ساختار وظایف خانه را آنچنان که در خانه والدینشان دیده‌اند، پذیرفته‌اند، تطابق با ساختار جدید برای آنان دشوار است. اینجاست که پافشاری در اجرای سنت‌های گذشته توسط مردان موجب بروز اختلافات زناشویی می‌شود. (آرون تی، ۱۳۶۹، صص ۶-۱۲۶)

در تحقیقی که اورتنر و بون روی ۲۳۱ زوج انجام داده‌اند، به این نتیجه رسیده‌اند که افراد ناراضی از زندگی زناشویی کسانی هستند که شوهرها سنتی و زنها غیرسنتی هستند. زن شاغل به علت استقلال اقتصادی و روانی حق خود می‌داند که در تصمیم‌گیری‌های خانواده شرکت جوید. (اورتنر و بون، ۱۹۸۳، صص ۲۲۳-۲۲۰)

میشل<sup>۱</sup> (۱۹۷۰) در مطالعات خود نشان داد، زنانی بیشتر از زندگی راضی هستند که در برنامه‌ریزی‌های مربوط به بودجه، تعداد فرزندان، تجهیزات و وسایل مسکن، و تحصیلات فرزندان با شوهرانشان مشارکت دارند. نتایج تحقیق او نشان داد که رضایت زن از شوهر، به قابل تفویض بودن نقش‌های تصمیم‌گیری ارتباط دارد.

میشل در مطالعه خود روی ۴۵۰ زوج می‌گوید: هر چه قدرت تصمیم‌گیری مرد در خانواده بیشتر باشد، زن ناراضی‌تر می‌شود. (میشل، ۱۹۶۱، صص ۵۵-۵۰)

مطالعات گری لیتل و بورگس نشان می‌دهد در ازدواج‌هایی که بیشترین وظایف را زن به عهده می‌گیرد، زنان ناراضی‌ترند، حال آن‌که حداکثر رضامندی در میان زوج‌هایی است که تقسیم وظایف منزل به تساوی بین زن و شوهر انجام می‌شود. (گری لیتل و بورگس، ۱۹۸۳، صص ۵۳۸-۵۱۳)

کوتلر<sup>۲</sup> (۱۹۶۳) می‌گوید: وقتی که ارزش‌های مردم مشترک باشد، به یکدیگر احترام می‌گذارند و تفاوتها را عاقلانه حل می‌کنند. گروهی که ارزش‌های مشترک ندارند از هم می‌پاشند، زیرا هر یک از اعضای آن، گروه را به سویی می‌کشد. (کوتلر، ۱۹۸۵، صص ۱۹۴-۱۸۶)

عدم هماهنگی در نظام ارزشی زن و شوهر موجب بروز اختلافاتی بین آنها می‌شود. در تحقیقی که استفان و برادفورد<sup>۳</sup> روی ۲۰۴ زوج دادند، نتایج نشان می‌دهد که هماهنگی ارزش‌های زن و شوهر، ارتباط قوی و مثبتی با رضامندی زن و شوهر دارد. (برادفورد، ۱۹۸۳، صص ۱۰۳-۱۶۵)

<sup>1</sup> Michel

<sup>2</sup> Kotler

<sup>3</sup> Stephen & Bradfords

لوکی و بین<sup>۱</sup> (۱۹۸۲) بر روی ۸۰ زوج که قبلاً به دو دسته راضی و ناراضی تقسیم شده بودند، مطالعه کردند، ۶۲٪ زوج‌های ناراضی اظهار کرده‌اند که کودکان تنها وسیله رضایت خاطر آنان در زندگی مشترک هستند در صورتی که ۴٪ زوج‌های راضی چنین نظری داشتند. در عوض ۶۸٪ زوج‌های راضی اظهار کرده‌اند که دوستی و رفاقت شوهر بزرگترین عامل رضایت است و فقط ۱۸٪ زوج‌های ناراضی چنین عقیده‌ای داشتند؛ پس این گونه به نظر می‌آید که وجود کودک یکی از عوامل ایجاد رضایت در ازدواج است، ولی نمی‌تواند جانشین رضایت خاطری باشد که از دوستی و رفاقت همسر برمی‌خیزد (مارکووسکی، ۱۹۸۴، صص ۳۸-۳۰) انسان موجودی اجتماعی است و سازگاری انسان در اجتماع، نمایانگر یادگیری‌های رفتار مناسب اجتماعی توسط اوست. چنانچه مردی در روابط اجتماعی خود نتواند سازگاری لازم را داشته باشد و دچار نارسایی‌هایی در ایجاد ارتباط با دیگران شود و عکس‌العمل‌های تند و خشونت باری از خود نشان دهد، در محیط خانواده نیز این رفتار را تعمیم خواهد داد. مارکووسکی و گرین وود (۱۹۸۴) به این نتیجه رسیدند که یک ارتباط مثبت عملی میان سازگاری اجتماعی و سازگاری زن و شوهر وجود دارد. بدین معنی افرادی که در زندگی زناشویی سازگار و موفق هستند، در روابط اجتماعی خود نیز افرادی سازگار و موافقند. (آرون‌تی، ۱۳۶۹: ۱۴۲)

### امور مالی

مسائل مربوط به دخل و خرج هم اغلب موجبات اختلافات زن و شوهر را فراهم می‌سازد. با توجه به نقش دخل و خرج می‌توان انتظار داشت که فعالیت مشترک زن و شوهر در تحصیل وسایل معاش و پرداخت هزینه‌ها، بر وحدت و یکپارچگی میان زن و شوهر بیفزاید. اما آنچه که قرار است وسیله همکاری بیشتر باشد، اغلب در جهت جدایی آنها از هم عمل می‌کند. بسیاری از زوجها بر سر چگونگی پرداخت مخارج باهم اختلاف نظر دارند، مشکل هنگامی بروز می‌کند که زن و شوهر در کنترل مخارج، طبقه‌بندی اولویتها و سهمیه‌بندی توافق ندارند. (آرون‌تی، ۱۳۶۹، صص ۱۱۳-۱۱۲)

<sup>۱</sup> Luckey&Bain

## اوقات فراغت

طلبیدن اوقات فراغت، یک نیاز اساسی برای عموم زوجها است. با آن که بسیاری از زوجها شاکمی هستند که به قدر کافی با هم وقت صرف نمی‌کنند، اما مشکل اصلی مدت با هم بودن نیست بلکه مسأله این‌جاست که این فرصت با هم بودن چگونه می‌گذرد. اختلافات اصلی برای زندگی مشترک مضر است.

اما از همه بدتر کم‌توجهی زن و شوهر به راضی کردن یکدیگر، هنگام صرف غذا، هنگام حضور در میهمانی‌ها و در رختخواب است. (پاریس ولاکی، ۱۹۹۱، صص ۲۱۶-۲۱۲) بررسی که به وسیلهٔ پاریس و لاکی انجام گرفته، یکی از دلایل عدم رضایت همسران را در اواسط ازدواج ناشی از عدم گذراندن اوقات فراغت خود با شوهران دانستند، زیرا اکثر شوهران بخصوص در طبقهٔ متوسط بیشتر اوقات خود را صرف حرفه و کار خویش می‌کنند و همسران خود را رها می‌سازند تا به تربیت فرزندان و خانه‌داری بسنده کنند. پرداختن زن و شوهر صرفاً به این مسایل و غفلت آنان در سازمان دادن به راه و روش زندگی می‌تواند تهدیدی برای همبستگی در زندگی زناشویی به شمار آید. (آرون تی، ۱۳۶۹، صص ۱۳۳-۱۳۲)

## رابطهٔ جنسی

ازدواج پیوندی برای زندگی مشترک است، این شرکت در لذت و الم و غم و شادی، باید برای زن و شوهر برابر باشد. روابط جنسی هنگامی کامل و بر اصول مذکور منطبق است که برای زن و شوهر هر دو لذت‌بخش باشد. همین لذت متقابل و رعایت آن از طرف زن و شوهر موجب می‌شود میان یک عمل غریزی محض و یک فعالیت نشاط‌بخش انسانی، تمایز فاحشی نمودار گردد. در درون رابطهٔ فعال جنسی است که منبع مهمی از رضایت خاطر می‌تواند اتفاق بیفتد؛ رضایت خاطر از روابط جنسی، ارتباط عمده‌ای با رضامندی زناشویی دارد. کلی<sup>۱</sup> (۱۹۵۸) دریافت، زنانی که طرز تفکر مثبتی به فعالیت‌های جنسی دارند، واکنش عاطفی بیشتری را از خود نشان می‌دهند و از برانگیختگی جنسی

<sup>۱</sup> Kelly

بیشتری برخوردارند تا زنانی که طرز تفکر منفی دارند. ژانت و لوئر<sup>۱</sup> معتقدند، هر چند زن و شوهرهای خوشبخت، روابط رضایت‌بخش جنسی را به عنوان مهمترین دلیل خوشبختی خود عنوان نکرده‌اند، با وجود این بیشتر آنان به‌طور کلی از روابط جنسی خود راضی بوده‌اند. ۷۰٪ آنان اظهار داشتند که همیشه یا در بیشتر مواقع دربارهٔ مسایل جنسی با همسر خود توافق دارند. (برنارد، ۱۹۸۶، صص ۱۲-۱۰)

ویبرگ و الکساندر<sup>۲</sup> تعدادی از عواملی را که موجب مشکلات جنسی می‌شود برشمرده که عبارتند از: روان آزرده‌گی مختل‌کننده که در برگیرنده آسیب شناختیهای بین فردی به هم پیچیده است، آرمانی ساختن بیش از حد، نیازهای وابستگی یا سلطه‌جویی، ناراضی‌تی یا اشکال در همکاری یا صمیمیت منتج از نقض من، خشم و غضب نشأت گرفته از عدم اعتماد و خشونت اساسی نسبت به جنس مقابل، نامناسب بودن شریک جنسی، وجود مسایل گسترش یافته و حل نشده در ازدواج و عوامل مربوط به بیماریها و تغییر نقش‌ها. (جانسون، ۱۹۸۰، صص ۵۱۵-۵۱۰) مشکلات رابطهٔ جنسی به حدی است که در بعضی از مواقع موجب طلاق می‌شود. آماری که مؤسسهٔ مطالعات و تحقیقات اجتماعی در سال ۱۳۴۴ منتشر نموده نشان می‌دهد که ۱۱٪ طلاق در نزد زنان و ۱۲٪ طلاق در نزد مردان به دلیل عدم توافق در روابط جنسی بوده است. همچنین پژوهشی که در سال ۱۳۴۳ پیرامون علل اختلافات زناشویی به عمل آمده، در حدود ۲۰/۵۲ از پاسخگویان، ناخشنودی خود را از روابط جنسی سبب بروز اختلافات زناشویی ذکر کرده‌اند (فرجاد، ۱۳۷۲، صص ۱۶۸-۱۵۲)

### ارتباط روانی

متأسفانه بسیاری از زوجها در انتقال افکار، امیال و احساسات خود با دشواری روبرو هستند، بعضی خواسته‌هایشان را چنان مطرح می‌کنند که به درک طرف مقابل منجر نمی‌شود، عقاید خود را مبهم مطرح می‌کنند، از موضوع اصلی صحبت طفره می‌روند، در حاشیهٔ مطلب حرف می‌زنند، در شرح جزئیات کم‌اهمیت گم می‌شوند و با این حال خیال

<sup>۱</sup> Jant&Louer

<sup>۲</sup> Verberg&Alexander

می‌کنند که همسرشان موضوع را دقیقاً آن طور که هست درک می‌کند. گاه به نظر می‌رسد که اصولاً به دو زبان متفاوت حرف می‌زنند، از کلمات مشابهی استفاده می‌کنند، با این حال پیام‌های ارسالی با آنچه دریافت می‌شود، به طور کلی متفاوت است. در این شرایط، بی‌خبر از تقصیر خویش، دیگری را به کند ذهنی، دیرفهمی و سرسختی متهم می‌کنند. (آرون‌تی، ۱۳۶۹، صص ۱۰۷-۱۰۶)

این دسته از مطالعات ارتباط کلامی و غیرکلامی بین زوجهای سازگار و زوجهای ناسازگار را بررسی نموده‌اند. کاهن<sup>۱</sup> (۱۹۷۰) شواهد روشنی را یافت که زوجهای راضی نسبت به زوجهای ناراضی در رمزخوانی<sup>۲</sup> نشانه‌های غیرکلامی<sup>۳</sup> یکدیگر توانایی بهتری را داشتند (دانبال، ۱۹۸۷، صص ۱۴۰-۱۳۰)

گاتمن (۱۳۷۶) دریافت که زوجهای ناراضی در اهداف پیامی<sup>۴</sup> نسبت به اثرات پیامی<sup>۵</sup> بیشتر منفی هستند در حالی که برای زوجهای راضی تفاوتی بین اهداف پیامی و اثرات پیامی وجود ندارد. این تفاوت امکان دارد ناشی از این باشد که رمزخوانی پیامها توسط زوجهای ناراضی، تحت تأثیر نوعی از تحریف منفی قرار می‌گیرد و همچنین پیامها صرف‌نظر از این که واقعاً چگونه فرستاده شده‌اند، بیشتر منفی تفسیر می‌شوند. (گاتمن، ۱۹۷۶، صص ۳-۱) نولر<sup>۶</sup> (۱۹۸۴) متوجه شد زنانی که سازگاری زناشویی پایینی دارند، به پیامهای مثبت بیشتری از جانب همسرشان نیاز دارند. این زنان محبت، قدردانی و توجه بیشتری می‌خواهند. این دو یافته نشان می‌دهد که زوجهای ناراضی از کمی تکرار رفتارهای مثبت مانند محبت و قدردانی رنج می‌برند. این در حالی است که شوهران آنها تمایل دارند، این مشکلات را درک کنند و همچنین تلاش می‌کنند تا پیامهای مثبتی را بفرستند. (اورتنر و بون، ۱۹۸۳، صص ۲۲۳-۲۲۰)

<sup>۱</sup> Kahn

<sup>۲</sup> Encod

<sup>۳</sup> Cue noneverbal

<sup>۴</sup> Communicative intent

<sup>۵</sup> Communicative impact

<sup>۶</sup> Noller



دسته‌ای دیگر از تحقیقات بر نقش آگاهی در رمزگذاری<sup>۱</sup> و رمزخوانی پیامهایی که زوجها به یکدیگر می‌فرستند و تأثیر آن در سازگاری و رضامندی آنان، تأکید می‌کنند. جناردوز<sup>۲</sup> (۱۹۸۲) با استفاده از مقیاس ارتباط زناشویی مشاهده نمود، زوجهایی که سازگاری زناشویی بالایی دارند، آگاهی بیشتری نسبت به سایر زوجهایی که پیامشان فاقد وضوح و روشنی است، دارند. همچنین اعتماد بیشتری دارند که پیامهایشان به‌طور صحیحی رمزخوانی می‌شود نسبت به سایر زوجهایی که پیامهایشان به‌طور نادرستی رمزخوانی می‌شود. عده‌ای دیگر سازگاری زناشویی را بر اساس کانال‌های<sup>۳</sup> مختلفی که زوجها به یکدیگر پیام می‌فرستند، بررسی نموده‌اند. این کانال‌ها شامل کلامی<sup>۴</sup>، بینایی و صوتی<sup>۵</sup> است. (دانایل بریمن، ۱۹۸۷، صص ۱۴۰-۱۲۰)

آرجیل<sup>۶</sup> در تحقیق خود به نتایج مهمی دست یافت. او دریافت پیامهایی که از کانال کلامی فرستاده می‌شوند، به صورت خنثی<sup>۷</sup> رمزخوانی می‌گردند. در حالی که پیامهایی که از طریق کانال‌هایی بینایی یا صوتی فرستاده می‌شوند، مثبت یا منفی رمزخوانی می‌گردند. این یافته‌ها حدس می‌زنند، میزان روشنی ارتباط زناشویی مستلزم کلمات خنثی است که متکی بر زبان غیر کلامی است. تجزیه و تحلیل نتایج نشان می‌دهد که پیامهای مثبت کلمات خنثی را در بر دارند و متکی بر حالات چهره و لحن صدای مثبت یا هر دو هستند که این پیام مثبت را شکل می‌دهند. پیامهای مثبت به میزان بیشتری توسط زوجهای راضی به کار می‌رود، تا ناراضی. زوجهایی که سازگاری زناشویی پایینی دارند در همه کانال‌ها، پیامهای آنان به صورت خنثی رمزخوانی می‌شود. به‌طور کلی نتایج نشان می‌دهد، شوهرانی که سازگاری زناشویی پایینی دارند، در همه کانال‌ها کمترین پیامهایشان خنثی است. (مناگان، ۱۹۸۲، صص ۲۲۴-۲۲۰)

<sup>1</sup> Decode

<sup>2</sup> Jenardos

<sup>3</sup> Chanel

<sup>4</sup> Vocal

<sup>5</sup> Tone voice

<sup>6</sup> Argyle

<sup>7</sup> Neutral

## بیان مسأله

سالانه تعدادی از زوجها به علت ناسازگاری به زندگی مشترک خود از طریق طلاق پایان می‌دهند. در حالی که زوجهای سازگار به زندگی مشترک خود ادامه می‌دهند. این موضوعی است قابل بررسی که چرا بعضی از زوجها با تفاهم و سازگاری زندگی را به شادکامی می‌گذرانند؟ در حالی که گروهی از زوجها در حل و فصل ساده‌ترین مسایل زندگی با دشواری و سردرگمی مواجه‌اند.

سؤال این است که زوجهای سازگار و زوجهای ناسازگار چه روش‌هایی برای حل و فصل مشکلات به کار می‌برند؟ و آیا این روش‌ها می‌تواند ناشی از عوامل فردی - اجتماعی زوجها باشد؟

لذا در این پژوهش برای پاسخ دادن به این سؤال، به بررسی تعدادی از عوامل فردی - اجتماعی که در سازگاری روابط زوجی مهم هستند، در زوجهای سازگار و ناسازگار شهر کرمان سنجیده می‌شود تا برای سؤال مطرح شده پاسخ فراهم آید.

## هدف

عمده‌ترین هدف این پژوهش بررسی پاره‌ای از عوامل فردی - اجتماعی بین زوجهای سازگار و ناسازگار است. به عبارت دیگر بررسی حوزه‌هایی که زوجهای سازگار و ناسازگار در آن با یکدیگر اختلاف دارند. از طریق بررسی این عوامل می‌توان به بهداشت روانی ازدواج، پایداری خانواده و رفع مشکلات زوجها اقدام نمود. بنابراین هدف این پژوهش برداشتن گامی مقدماتی در جهت پیشگیری از بروز ناسازگاری و تأمین بهداشت روانی خانواده و جامعه از طریق فراهم آوردن اطلاعاتی برای مشاوران ازدواج است. مشاوران ازدواج می‌توانند با مقایسه عوامل فردی - اجتماعی زوجهای سازگار و ناسازگار به افرادی که قصد ازدواج دارند، آموزش‌هایی را در جهت کسب آمادگی و مهارت‌هایی که لازمه زندگی زناشویی موفق است، ارائه داد و با شناسایی حوزه‌هایی که زوجها با یکدیگر اختلاف دارند، به رفع اختلاف کمک کرد؛ تا آنها بتوانند سازگاری مجدد را به دست آورند و در نتیجه زندگی آنها دچار فروپاشی نشود.

### فرضیه‌های پژوهش

برای بررسی رابطه بین پاره‌ای از عوامل فردی - اجتماعی با سازگاری و ناسازگاری زناشویی این فرضیه‌ها مطرح شدند:

- ۱- بین زوجهای سازگار و زوجهای ناسازگار در عامل تصمیم‌گیری مسایل مشترک زناشویی تفاوت وجود دارد.
- ۲- بین زوجهای سازگار و زوجهای ناسازگار در عامل امور مالی تفاوت وجود دارد.
- ۳- بین زوجهای سازگار و زوجهای ناسازگار در عامل رابطه جنسی تفاوت وجود دارد.
- ۴- بین زوجهای سازگار و زوجهای ناسازگار در عامل اوقات فراغت تفاوت وجود دارد.
- ۵- بین زوجهای سازگار و زوجهای ناسازگار در عامل شیوه ارتباط روانی تفاوت وجود دارد.

در این پژوهش عوامل فردی - اجتماعی به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شدند تا اثر این متغیر بر سازگاری و ناسازگاری زوجها بررسی شوند. در اینجا لازم است به تعریف اصطلاحات ضروری پرداخته شود.

**عوامل:** خواص یا متغیرهایی که در یک تحقیق مورد توجه و بررسی قرار می‌گیرد. عواملی که در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرند، عوامل فردی - اجتماعی است.

**عوامل فردی - اجتماعی:** هر چه به تأثیر متقابل فردی و اجتماعی بستگی دارد.

**زوج:** رابطه تأیید شده اجتماعی بین دو بزرگسال که نقش‌های مشخصی برای زن و شوهر، معین می‌کند که مستلزم تعهدات، وظایف و حقوق دوجانبه است.

**زوج سازگار:** به زوجی اطلاق می‌شود که به زندگی مشترک خود ادامه می‌دهند.

**زوج ناسازگار:** به زوجی اطلاق می‌شود که یکی از آنها یا هر دو به دادگاه مراجعه کردند و درخواست طلاق و جدایی از یکدیگر را دارند.

## آزمودنی‌ها

برای بررسی رابطه بین پاره‌ای از عوامل فردی - اجتماعی با سازگاری زناشویی، تعداد یکصد زوج ناسازگار از بین زوجهای ناسازگاری که از سال ۷۵ به دادگستری شهرستان کرمان مراجعه نموده و با هماهنگی دفاتر شعبه ۳ و ۹ دادگستری، پرسشنامه را تکمیل کرده‌اند. برای انتخاب یکصد زوج سازگار هم از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده شد که واحد نمونه‌گیری محله (کوی) بود. نظر به این که شهر کرمان بر اساس تقسیم‌بندی شهرداری به دو منطقه تقسیم شده است و منطقه ۱ شامل ۲۵ محله، منطقه ۲ شامل ۲۰ محله است؛ از منطقه ۱، ۶ محله و از منطقه ۲، ۴ محله به طور تصادفی انتخاب شدند. در نهایت از میان هر محله ۱۰ زوج سازگار به صورت تصادفی انتخاب شدند و پرسشنامه را تکمیل کردند و نمونه‌ای با حجم یکصد زوج سازگار و ناسازگار به دست آمد.

**روشهای تجزیه و تحلیل اطلاعات:** پس از استخراج داده‌ها اطلاعات به کامپیوتر داده شد تا از طریق برنامه SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد و در این تجزیه و تحلیل از روشهای آمار توصیفی مانند: میانگین و انحراف استاندارد و برای بررسی فرضیه‌ها از آزمون  $t$  برای گروههای مستقل، آزمون  $F$  و آزمون توکی (HSD) استفاده شد.

## وسیله اندازه‌گیری

پرسشنامه عوامل فردی - اجتماعی دارای پنج مقوله و ۵۶ سؤال است. این مقوله عبارتند از: تصمیم‌گیری در مسایل مشترک زناشویی، امور مالی، روابط جنسی، اوقات فراغت و شیوه ارتباط روانی. این پرسشنامه از کتاب «عشق هرگز کافی نیست» تألیف بک انتخاب گردید. بک در هنگام مراجعه زوجهایی که از مشکلات زناشویی رنج می‌بردند، از این مقوله‌ها (پاره‌تستها) برای تشخیص حوزه اختلافات زوجها و آگاهی ددن به آنها نسبت به مشکلاتشان، استفاده می‌نمود. این پرسشنامه به منظور سنجش میزان اختلاف موجود در روابط زناشویی زوجهای سازگار و ناسازگار مورد استفاده می‌گیرد.

در برابر هر یک از سؤالهای این پرسشنامه، پیوستار پنج گزینه‌ای قرار دارد که گزینه‌ها شامل: صدق نمی‌کند، بندرت، گاهی اوقات، اغلب و همیشه که پاسخ منطبق با

گزینه‌های همیشه ۴ و بقیه ۳، ۲ و ۱ و ۰ می‌گیرند. نمره کل از مجموعه این نمره‌ها به دست می‌آید و به عنوان میزان اختلاف در روابط زوجها محسوب می‌شود. دامنه نمره‌ها از ۰ تا ۶۰ متغیر است. نمره بالا در هر کدام از این مقوله‌ها بیانگر اختلاف بیشتر در آن مقوله‌ها است. این پرسشنامه چون از مقوله‌ها - (پاره‌تست‌ها) ی ناهمگونی تشکیل شده، ابتدا همسانی درونی هر کدام از این مقوله‌ها - (پاره‌تست‌ها) محاسبه گردید و در نهایت اعتبار کل پرسشنامه به دست آمد که ضریب الفاکرانباخ بر روی دو گروه زوج‌های سازگار و ناسازگار برابر ۰/۷۶ شد.

### روش جمع‌آوری اطلاعات

ضمن هماهنگی با شعبه‌های ۳ و ۹ دادگستری شهرستان کرمان (لازم به ذکر است این شعبه‌ها به کار طلاق می‌پرداختند) زوجیهایی که با تعیین وقت قبلی برای طلاق مراجعه کرده بودند، در دفتر شعبه ضمن ارتباط با آنان خواسته شد تا پرسشنامه را تکمیل کنند. تعدادی از زوجها که برای تفاهم به هستهٔ بهزیستی ارجاع داده می‌شدند، در هستهٔ بهزیستی پرسشنامه را تکمیل کردند. تعدادی از زوجها که پرسشنامه را ناقص تکمیل کرده بودند، در تجزیه و تحلیل اطلاعات حذف شدند. هنگامی که زوجها در درک سؤالات با مشکل روبرو می‌شدند پژوهشگر با توضیحات شفاهی به آنها کمک می‌کرد تا به منظور سؤال پی ببرند. تعداد یکصد زوج سازگار هم به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای از مناطق دوگانهٔ شهر کرمان انتخاب شدند و در نهایت ۴۰۰ پرسشنامه جهت تجزیه و تحلیل آماری به کامپیوتر داده شد.

### یافته‌های پژوهش

#### تجزیه و تحلیل اطلاعات

با توجه به جدول ۱ بیشترین نمره‌های زوج‌های سازگار در عامل تصمیم‌گیری در مسایل مشترک زناشویی متعلق به طبق ۱۵-۱۲ با ۲۳/۵ درصد و زوج‌های ناسازگار متعلق

به طبقه ۲۳-۲۰ با ۱۹ درصد است. بیشترین نمره‌های زوجهای سازگار در عامل امور مالی متعلق به طبقه ۳-۰ با ۳۰ درصد و زوجهای ناسازگار متعلق به طبقه ۷-۴ با ۱۶ درصد است. بیشترین نمره‌های زوجهای سازگار در عامل رابطه جنسی متعلق به طبقه ۳-۰ با ۳۴ درصد و زوجهای ناسازگار متعلق به طبقه ۱۱-۸ با ۴۸ درصد است.

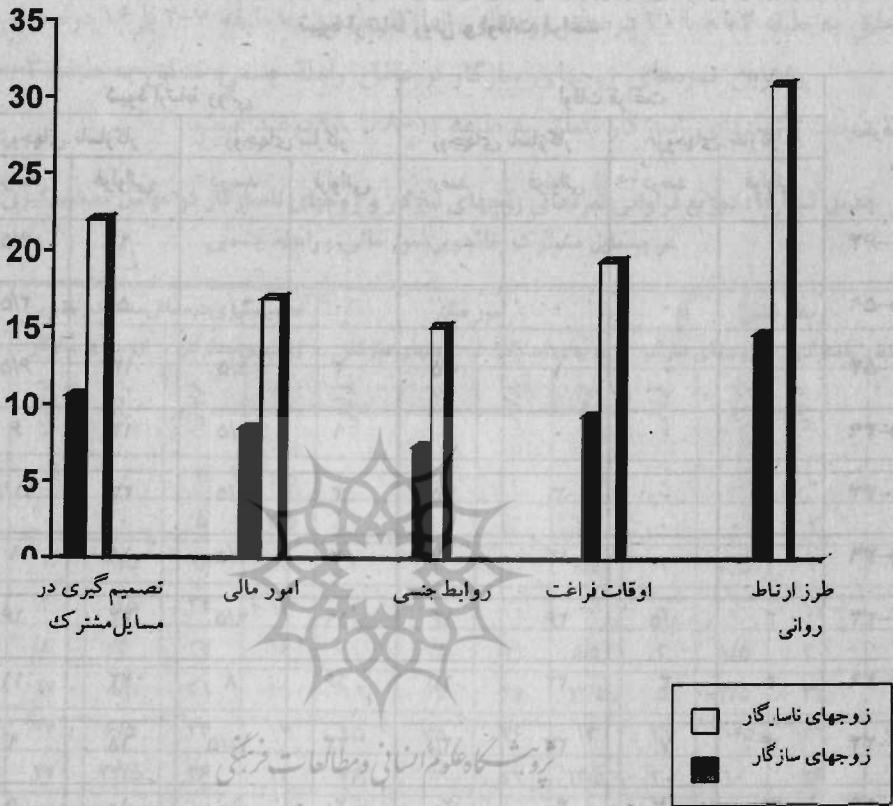
جدول شماره ۱: توزیع فراوانی نمره‌های زوجهای سازگار و زوجهای ناسازگار در عوامل تصمیم‌گیری در مسایل مشترک زناشویی، امور مالی و رابطه جنسی

نمره‌ها	امور مالی								رابطه جنسی			
	تصمیم‌گیری در مسائل مشترک زناشویی				زوجهای سازگار				زوجهای ناسازگار		زوجهای ناسازگار	
	فراوانی	نسبت	فراوانی	نسبت	فراوانی	نسبت	فراوانی	نسبت	فراوانی	نسبت	فراوانی	نسبت
۴۰-۴۳	۰	۰	۳	۱/۵	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۳۶-۳۹	۰	۰	۵	۲/۵	۰	۰	۳	۱/۵	۰	۰	۲	۱
۳۲-۳۵	۳	۱/۵	۱۶	۸	۲	۱	۱۷	۸/۵	۱	۰/۵	۳	۱/۵
۲۸-۳۱	۲	۱/۵	۳۴	۱۷	۰	۰	۲۰	۱۰	۰	۰	۱۷	۸/۵
۲۴-۲۷	۸	۴	۳۲	۱۶	۱	۰/۵	۱۱	۵/۵	۳	۱/۵	۲۰	۱۰
۲۰-۲۳	۱۷	۸/۵	۲۸	۱۹	۱۱	۵/۵	۲۵	۱۲/۵	۵	۲/۵	۲۲	۱۱
۱۶-۱۹	۱۳	۶/۵	۲۴	۱۲	۱۵	۷/۵	۲۶	۱۳	۲۱	۱۰/۵	۲۹	۱۴/۵
۱۲-۱۵	۴۷	۲۴/۵	۲۶	۱۳	۲۶	۱۳	۲۹	۱۴/۵	۲۰	۱۰	۳۶	۱۳
۸-۱۱	۴۳	۲۱/۵	۱۲	۶	۵۸	۱۴	۳۱	۱۵/۵	۳۱	۱۵/۵	۴۸	۲۴
۴-۷	۳۱	۱۵/۵	۷	۳/۵	۵۷	۲۸/۵	۳۲	۱۶	۵۱	۲۵/۵	۱۹	۹/۵
۰-۳	۳۵	۱۷/۵	۳	۱/۵	۶۰	۳۰	۶	۳	۶۸	۳۴	۱۴	۷

با توجه به جدول ۲- بیشترین نمره‌های زوجهای سازگار در عامل اوقات فراغت متعلق به طبقه ۴-۰ با ۳۱ درصد و زوجهای ناسازگار متعلق به طبقه ۱۹-۱۵ با ۲۰ درصد است. بیشترین نمره‌های زوجهای سازگار در عامل شیوه ارتباط روانی متعلق به طبقه ۴-۰ با ۳۲/۵ درصد و زوجهای ناسازگار متعلق به طبقه ۳۴-۳۰ با ۱۶ درصد است.

جدول شماره ۲: توزیع فراوانی نمره‌های زوجهای سازگار و زوجهای ناسازگار در عوامل شیوه ارتباط روانی و اوقات فراغت

نمره‌ها	اوقات فراغت				شیوه ارتباط روانی			
	زوجهای سازگار		زوجهای ناسازگار		زوجهای سازگار		زوجهای ناسازگار	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
۶۰-۶۴	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۹	۴/۵
۵۵-۵۹	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۵	۲/۵
۵۰-۵۴	۰	۰	۱	۰/۵	۳	۱/۵	۱۳	۶/۵
۴۵-۴۹	۰	۰	۰	۰	۱	۰/۵	۱۲	۶
۴۰-۴۴	۰	۰	۳	۱/۵	۳	۱/۵	۲۳	۱۱/۵
۳۵-۳۹	۰	۰	۱۴	۷	۷	۳/۵	۱۸	۹
۳۰-۳۴	۳	۱/۵	۲۶	۱۳	۱۹	۹/۵	۳۲	۱۶
۲۵-۲۹	۴	۲	۲۲	۱۱	۱۶	۸	۲۲	۱۱
۲۰-۲۴	۱۴	۷	۲۷	۱۳/۵	۲۳	۱۱/۵	۱۸	۹
۱۵-۱۹	۳۴	۱۷	۴۰	۲۰	۲۰	۱۰	۱۰	۵
۱۰-۱۴	۳۵	۱۷/۵	۳۹	۱۹/۵	۱۸	۹	۲۲	۱۱
۵-۹	۴۸	۲۴	۳۳	۱۱/۵	۲۵	۱۲/۵	۱۱	۵/۵
۰-۴	۶۲	۳۱	۱۵	۷/۵	۶۵	۳۲/۵	۵	۲/۵



نمودار مقایسه عوامل فردی - اجتماعی در زوجهای سازگار و ناسازگار

با توجه به نمودار بیشترین تفاوت در شیوه ارتباط روانی و بعد تصمیم‌گیری در مسائل مشترک زناشویی، اوقات فراغت، امور مالی و روابط جنسی بین زوجهای سازگار و ناسازگار است.



جدول شماره ۳: محاسبات آماری متغیرهای پژوهش در زوجهای سازگار و ناسازگار

مشاهده شده	T مشاهده شده	زوجهای ناسازگار		زوجهای سازگار		متغیر
		انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	
۸۰/۱۱	-۱۲/۸۸	۸/۳۵	۲۲	۷/۵۳	۱۰/۵۹	تصمیم‌گیری در مسایل مشترک زناشویی
۲۷	-۹/۳۲	۹/۴۷	۱۶/۹	۸/۴۲	۸/۵	امور مالی
۳۶	-۹/۹۸	۸/۷۸	۱۵/۱۱	۶/۶۴	۷/۲۵	رابطه جنسی
۴۵/۲۱	-۱۱/۸۸	۱۰/۲۸	۱۹/۴۲	۷/۵۴	۹/۳۵	اوقات فراغت
۴۸/۱۵	-۱۱/۷	۱۴/۹۲	۳۰/۹۴	۱۲/۸	۱۴/۶۸	شیوه‌ار تباطروانی

با توجه به جدول ۳ چون مقدار t مشاهده شده بزرگتر از t جدول ( $t_{\alpha} 0/01 = 2/58$ ) با درجه آزادی (۳۹۸) است، فرض صفر رد می‌شود و نتیجه گرفته می‌شود که زوجهای سازگار با زوجهای ناسازگار در کلیه متغیرهای پژوهشی با یکدیگر تفاوت دارند. همچنین با توجه به جدول ۳ چون مقدار F مشاهده شده بزرگتر از F جدول ( $F_{\alpha} 0/01 = 3/28$ ) است فرض صفر رد می‌شود و نتیجه گرفته می‌شود که زوجهای سازگار با زوجهای ناسازگار در کلیه متغیرهای پژوهشی با یکدیگر تفاوت دارند.

جدول شماره ۴: مقایسه تفاوت میانگین‌های متغیرهای پژوهش در زنان سازگار، مردان سازگار، زنان ناسازگار و مردان ناسازگار با استفاده از آزمون توکی

گروه‌های مقایسه	تصمیم‌گیری در مسایل مشترک زناشویی		امور مالی		رابطه جنسی		اوقات فراغت		شیوه ارتباط روانی
	تفاوت میانگین‌ها	H.S.D	تفاوت میانگین‌ها	H.S.D	تفاوت میانگین‌ها	H.S.D	تفاوت میانگین‌ها	H.S.D	
زنان سازگار با زنان ناسازگار	۰/۱۲۸	۲/۸۲	۰/۱۰/۵۳	۳/۲۸	۰/۸/۹۹	۷/۸۴	۰/۱۱/۴۷	۳/۲۸	۰/۱۸/۳۳
زنان ناسازگار با مردان سازگار	۰/۱۵۴	۲/۸۲	۱/۱	۳/۲۸	۰/۱۴۲	۷/۸۴	۰/۰/۸۲	۳/۲۸	۰/۱۶۵
زنان سازگار با مردان ناسازگار	۰/۷/۶۷	۲/۸۲	۰/۵/۰۹	۳/۲۸	۰/۶/۱۱	۷/۸۴	۰/۷/۸۵	۳/۲۸	۰/۱۲/۱۶
زنان ناسازگار با مردان سازگار	۰/۱۴/۴	۲/۸۲	۱/۱/۶۲	۳/۲۸	۰/۹/۴۱	۷/۸۴	۰/۱۲/۲	۳/۲۸	۰/۱۸/۹۵
زنان سازگار با مردان ناسازگار	۰/۶/۱۸	۲/۸۲	۰/۵/۴۴	۳/۲۸	۰/۲/۸۸	۷/۸۴	۰/۲/۶۲	۳/۲۸	۰/۴/۷۲
مردان سازگار با مردان ناسازگار	۰/۸/۲۲	۲/۸۲	۰/۶/۱۹	۳/۲۸	۰/۶/۵۳	۷/۸۴	۰/۸/۶۸	۳/۲۸	۰/۱۴/۱۱

با توجه به جدول ۴ تفاوت بین گروه‌های زنان سازگار، زنان ناسازگار، مردان سازگار و مردان ناسازگار با استفاده از آزمون توکی محاسبه گردید و نتایج (نتایج در سطح ۰/۰۵ معنی دار هستند) زیر به دست آمد.

- الف: بین مردان سازگار و مردان ناسازگار در عوامل تصمیم‌گیری در مسایل مشترک زناشویی، امور مالی، رابطه جنسی، اوقات فراغت و شیوه ارتباط روانی تفاوت وجود دارد.
- ب: بین زنان سازگار با زنان ناسازگار در کلیه متغیرها تفاوت وجود دارد.
- ج: بین زنان ناسازگار با مردان ناسازگار در کلیه متغیرها تفاوت وجود دارد.
- د: بین مردان سازگار با زنان ناسازگار در هیچکدام از عوامل پژوهشی تفاوت وجود ندارد.

### بحث و نتیجه‌گیری

در این قسمت به بررسی فرضیه‌های مطرح شده می‌پردازیم. در مورد فرضیه اول با توجه به بزرگتر بودن  $t$  مشاهده شده از  $t$  جدول، بین زوجهای سازگار و زوجهای ناسازگار در عامل تصمیم‌گیری در مسایل مشترک زناشویی تفاوت وجود دارد. اکثر پژوهشهایی که در این زمینه انجام شده، فرضیه مذکور را تأیید می‌کند. از جمله میشل (۱۹۷۰) در تحقیق خود نشان داد، رضایت زن از شوهر به قابل تفویض بودن نقش‌های تصمیم‌گیری ارتباط دارد. گری لیتل و بورگس (۱۹۸۳) در مطالعات خود نشان دادند، در ازدواجهایی که بیشترین وظایف را زنان به عهده می‌گیرند، زنان ناراضی‌ترند. حال آن‌که حداکثر رضامندی در میان زوجهایی است که تقسیم وظایف به تساوی بین زن و شوهر انجام می‌گیرد. همچنین اورتنر و یون (۱۹۸۳) نتیجه گرفتند که افراد ناراضی از زندگی زناشویی کسانی هستند که شوهرها سنتی و زن‌ها غیر سنتی هستند. زن و شوهر با دهها تصمیم کوچک و بزرگ از قبیل: تصمیم‌گیری در تقسیم وظایف، در داشتن و تربیت فرزند، در فعالیتهای اجتماعی و تفریحی و در چگونگی پرداخت مخارج زوربرو هستند. نداشتن ارزش‌های مشترک، نداشتن مهارتهای لازم در تصمیم‌گیری از جمله عواملی هستند که سبب بروز اختلاف و ناسازگاری می‌شوند. کوتلر (۱۹۶۳) می‌گوید: ((زوجهای ناسازگار در هنگام تصمیم‌گیری درباره مسایل مختلف زندگی، درصددند که حرف خود را به کرسی بنشانند،

احساسات یکدیگر را جریحه‌دار می‌کنند و هنگام تصمیم‌گیری درباره موضوعی خاص، موضوعات دیگری را به میان می‌آورند و به اختلافات خود دامن می‌زنند و قادر نیستند تصمیم واحدی را اتخاذ کنند؛ در حالی که زوجهای سازگار بر مبنای احترام متقابل، روابط صمیمانه، تعهد بین شخصی و زندگی مشترک در هنگام تصمیم‌گیری دچار مشکلی نمی‌شوند. برای آزمون فرضیه دوم از آزمون  $t$  برای گروههای مستقل استفاده شد. با توجه به جدول ۳ به دلیل بزرگتر بودن  $t$  مشاهده شده از  $t$  جدول بین زوجهای سازگار و زوجهای ناسازگار در عامل امور مالی تفاوت وجود دارد. با توجه به نقش دخل و خرج می‌توان انتظار داشت که فعالیت مشترک زن و شوهر در تحصیل اسباب معاش و پرداخت هزینه‌ها بر وحدت و یکپارچگی میان زن و شوهر بیفزاید. اما در زوجهای ناسازگار آنچه که قرار است اسباب همکاری با یکدیگر باشد، اغلب در جهت جدایی از یکدیگر عمل می‌کند. زوجهای ناسازگار در مقایسه با زوجهای سازگار در چگونگی تأمین و پرداخت مخارج زندگی با یکدیگر اختلاف نظر دارند. مشکل هنگامی بروز می‌کند که زوجهای ناسازگار در کنترل مخارج، طبقه‌بندی اوپتیمها و سهمیه‌بندی توافق ندارند. از دلایل وجود تفاوت بین زوجهای سازگار و ناسازگار می‌تواند، خساست، ولخرجی، عدم توافق در تعیین اولویتها، عدم توافق در برنامه خرج ماهانه و پنهان‌کاری زوجهای ناسازگار باشد.

برای آزمودن فرضیه سوم از آزمون  $t$  برای گروههای مستقل استفاده شد. با توجه به جدول ۳ به دلیل بزرگتر بودن  $t$  مشاهده شده از  $t$  جدول بین زوجهای سازگار و زوجهای ناسازگار در عامل رابطه جنسی تفاوت وجود دارد. نتیجه این پژوهش با بیشتر پژوهش‌هایی که در این زمینه انجام گرفته، هماهنگی دارد. از جمله ویربرگ و الکساندر (۱۹۷۸) تعدادی از عواملی را که موجب مشکلات جنسی می‌شود، بدین طریق برشمرده است: روان‌آزردگی مختل‌کننده، نامناسب بودن شریک جنسی و وجود مسایل گسترش یافته و حل نشده در ازدواج. همچنین فرجاد (۱۳۷۲) نشان داد، ۱۱٪ طلاق در نزد زنان و ۱۲٪ در نزد مردان به دلیل عدم توافق در روابط جنسی بوده است. در تحقیق دیگری که پیرامون علل اختلافات زناشویی به عمل آمده است، در حدود ۲۰/۲۵٪ از پاسخگویان ناخشنودی خود را از روابط جنسی سبب بروز اختلافات زناشویی ذکر کرده‌اند. این تفاوت می‌تواند ناشی از افسردگی،

نوراستتیک، نامناسب بودن شریک جنسی و درگیریهای زناشویی در زوجهای ناسازگار باشد. ژانت ولوئر (۱۹۶۰) نتیجه گرفتند هر چند زوجهای سازگار روابط رضایتمند جنسی را مهم‌ترین دلیل خوشبختی خود عنوان نکردند، ولی ۷۰٪ آنان اظهار داشتند که همیشه یا در بیشتر مواقع دربارهٔ مسایل جنسی با همسر خود توافق دارند.

برای آزمودن فرضیهٔ چهارم از آزمون  $t$  برای گروههای مستقل استفاده شد. با توجه به جدول ۳ به دلیل بزرگتر بودن  $t$  مشاهده شده از  $t$  جدول بین زوجهای سازگار و زوجهای ناسازگار در عامل اوقات فراغت تفاوت وجود دارد. پژوهش‌هایی که در این زمینه انجام گرفته، فرضیهٔ مذکور را تأیید می‌کند. از جمله پاریس و لاک (۱۹۹۱) یکی از دلایل عدم رضایت همسران را ناشی از عدم گذراندن اوقات فراغت با یکدیگر می‌دانند. این مشکل می‌تواند تهدیدی برای زندگی زناشویی باشد. طلیدن اوقات فراغت یک نیاز اساسی برای عموم زوجها است. با آن‌که بسیاری از زوجها شاکی هستند که به قدر کافی با هم وقت صرف نمی‌کنند، اما مشکل اصلی زوجهای ناسازگار با هم بودن نیست، بلکه مشکل اینجاست که این فرصت با هم بودن را مناسب نمی‌گذرانند. از دلایل تفاوت بین زوجهای سازگار و ناسازگار می‌توان عدم هماهنگی در نظام ارزشی زوجهای ناسازگار، ناتوانی در تعیین و چگونگی گذراندن اوقات فراغت، عدم تعادل در صرف وقت برای کار و تفریح و مشغول شدن هر کس به تفریح و سرگرمیهای خویش را نام برد.

برای آزمودن فرضیهٔ پنجم از آزمون آماری  $t$  برای گروههای مستقل استفاده شد. با توجه به جدول ۶ به دلیل بزرگتر بودن  $t$  مشاهده شده از  $t$  جدول بین زوجهای سازگار و زوجهای ناسازگار در شیوهٔ ارتباط روانی تفاوت وجود دارد. اکثر پژوهش‌هایی که در این زمینه انجام شده، فرضیهٔ مذکور را تأیید می‌کند از جمله گاتمن (۱۳۷۶) دریافت، زوجهای ناراضی در اهداف پیامی سبب به اثرات پیامی بیشتر منفی هستند. به این دلیل که رمزخوانی پیامها توسط زوجهای ناراضی تحت تأثیر نوعی از تحریف منفی قرار می‌گیرد، پیامها صرف‌نظر از این‌که واقعاً چگونه فرستاده می‌شوند، بیشتر منفی تفسیر می‌شوند.

آرجیل (۱۹۷۰) دریافت که پیامهای مثبت به میزان بیشتری توسط زوجهای راضی به کار می‌روند تا ناراضی. ویگین و مودی (۱۹۸۳) نشان دادند زوجهایی که براحتی افکارشان

را با یکدیگر در میان می‌گذرند و قادر به پذیرش درک و احساسات یکدیگر هستند، از رضامندی بیشتری برخوردارند. زوجهای ناسازگار در مخابره افکار، امیال و احساسات خود با دشواری روبرو هستند، اغلب خواسته‌هایشان را چنان مطرح می‌کنند که به درک طرف مقابل منجر نمی‌شود، عقاید خود را مبهم بیان می‌کنند، از موضوع اصلی طفره می‌روند، در حاشیه مطلب حرف می‌زنند و با این خیال تصور می‌کنند موضوع را آن‌گونه که هست درک می‌کنند. در این شرایط بی‌خبر از تفسیر خویش دیگری را به کندذهنی، دیرفهمی و سرسختی متهم می‌کنند. زوجهای ناسازگار صحبت‌های آنان پر از اشاره و کنایه است، بیشتر بر موضوع خاصی تأکید می‌کنند و سایر موضوعات را نادیده می‌گیرند و هماهنگی بین پیامهای کلامی و غیرکلامی آنان نیست. از دلایل تفاوت بین زوجهای سازگار و ناسازگار، عدم اطلاع از خصوصیات طبیعی و فردی، عدم مهارت در درک احساسات یکدیگر و غیرقابل انعطاف بودن زوجهای ناسازگار است. زوجهای سازگار، افکار، امیال و احساسات خود را با روشنی و وضوح بیان می‌کنند تا طرف مقابل در درک آنها با مشکلی روبرو نشود. زوجهای سازگار در همه کانال‌های بینایی و صوتی پیامهایشان را به طور صحیحی رمزگذاری می‌کنند. با توجه به جدول ۴ به دلیل بزرگتر بودن تفاوت بین میانگین گروهها از توکی مشاهده شده بین زنان سازگار با زنان ناسازگار و بین زنان ناسازگار با مردان ناسازگار و بین مردان سازگار و مردان ناسازگار در کلیه متغیرهای پژوهش تفاوت وجود دارد. بین مردان سازگار و زنان سازگار در هیچکدام از متغیرهای پژوهش تفاوت وجود نداشت.

### محدودت‌ها

پژوهشگر در انجام این پژوهش با محدودیت‌های زیر روبرو بوده است:

- ۱- دسترسی به زوجهای ناسازگار (در حال طلاق) فقط در دادگستری امکان‌پذیر بود و پذیرش تقاضا برای تکمیل پرسشنامه در آن شرایط پراضطراب کار ساده‌ای نبود و به همین دلیل بعضی از آنها در تکمیل پرسشنامه قادر به تمرکز حواس مناسب نبودند و ممکن است پاسخ‌های آنها واقعی نباشد.

- ۲- انتظار برای ورود زوجهای ناسازگار و عدم دقت تعدادی از زوجها در تکمیل کامی پرسشنامه که منجر به حذف آنها از پژوهش گردید از عواملی بود که منجر به افزایش مدت زمان نمونه‌گیری گردید.
- ۳- دست‌نیافتن به منابع مورد نیاز پژوهش یکی از محدودیتهای اساسی بود به‌گرنه‌ای که در مورد متغیر امور مالی نگارنده موفق به پیدا نمودن پیشینه پژوهش اعم از فارسی یا انگلیسی نشد.

### پیشنهادها

- ۱- انجام مطالعات طولی درباره پایداری ازدواج که در این مطالعات کاهش و افزایش رضامندی از زندگی زناشویی مدنظر قرار گیرد.
- ۲- در بررسی عوامل مؤثر در ناسازگاری زوجها از متغیرهای محلی متعددی که به نظر می‌رسد در بروز ناسازگاری مؤثرند استفاده شود.
- ۳- نتایج به‌دست آمده از پژوهش به اطلاع افرادی که قصد ازدواج دارند، رسانده شود تا بتوانند مهارتهای لازم را برای زندگی زناشویی کسب کنند.

### منابع و یادداشتها

- ۱- بک آرون تی: عشق هرگز کافی نیست، مهدی قرچه داغی، نیوند، تهران، ۱۳۶۹.
- 2-Danil. Perlman. *Intimacy*. London Sage. 1987.
- 3-Orthner. Dennisk&Bown Garyl. *Sex Role Congurency & Marital Quality*, *Journal of Marriage the Family*. Vol 48, 1983.
- 4-Michel. A. *Role Masculins ef Faminis dans La Famille Information Surless Scince. Sociales Feveros* 1971.
- 5-Gray Little& Burks, Nancy, *Power & states Function In Marriage*, *Psychological bulletin*, Vol 93, 1983.
- 6-Kotlar, sally *Instrumental & Expressive Marital Roles Socialogy, Social Research*, Vol 46, 1985

- 7-Stephen. J.M& Bradford, B, *Age at Marriage, Journal of Marriage & Family, Vol 45, 1983.*
- 8-Markowski & Greenwook, *Marital Adjustment, Journal Research & Practic, Vol 40, 1984.*
- 9-Paris&Luky, *Alongitudinal Study In Marital Satisfaction Journal Sociolgy & Social Research, Vol 50, 1991.*
- 10-Bernard, Murstien, *paths to Marriage London Sage, 1986.*
- 11-Johnson, J.H& Harris, W.G. *personality & Behavior Charactristice Related to Divorce In population of Mulapplicants for psychiatric Evalution, Journal of Abnormal Psychology, Vol 17, 1976.*
- 12- John, M.Gottman, *preelicting the Longitudinal course of Marriage, Journal of Marital & Family therapy, Vol 17, 1976.*
- 13-Meraghan, Elizabet, *Measuring Ciping Effectiveness Apanelanalysis of Marital Problems Coping Efforts, Journal of Health a Social Behavior, Vol. 23, 1982.*

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 پرتال جامع علوم انسانی